

محرمانگی در درمان ناباروری

آزاده عبدالله زاده: * مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی تولید مثل، پژوهشکده فناوری‌های نوین علوم پزشکی جهاد دانشگاهی، ابن سینا
دکتر علیرضا میلانی‌فر: مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی تولید مثل، پژوهشکده فناوری‌های نوین علوم پزشکی جهاد دانشگاهی، ابن سینا
زهره بهجتی اردکانی: مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی تولید مثل، پژوهشکده فناوری‌های نوین علوم پزشکی جهاد دانشگاهی، ابن سینا

فصلنامه پایش

سال ششم شماره چهارم پاییز ۱۳۸۶ صص ۳۵۵-۳۶۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۲/۲۲

چکیده

مسأله محرمانگی، یکی از مباحث مهم و مورد توجه در جوامع انسانی است. یکی از حوزه‌هایی که امروزه به دلیل پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک با سؤالات گوناگون در این خصوص مواجه است، خدمات درمانی مربوط به ناباروری است. شیوه‌های متداول کنونی و آینده این نوع از درمان، محل انگیزش پرسش‌های اساسی در خصوص الزام، قلمرو و مبنی محرمانگی است. نویسندگان در این مقاله بر آن هستند تا با ارائه تعریف، بیان ویژگی و قلمرو محرمانگی به سؤالات مطرح در این باره پاسخ گویند و با بیان مبانی حقوقی محرمانگی به دفاع از آن پردازند و بر لزوم حفظ اطلاعات پزشکی و درمانی افراد، تأکید نمایند. پاسداری از حریم خصوصی افراد در واقع نگاهیانی از کرامت و اراده آنان و در نتیجه فاعلیت اخلاقی آنهاست و تجاوز به آن به نام مصلحت و حقوق ثالث، تنها در شریط معین قابل توجیه است. در شیوه اهدای گامت و جنین و رحم جایگزین در درمان ناباروری نیز اصل محرمانگی بر پایه حفظ حریم خصوصی افراد جاری است. در موارد استثنا بر اصل هم با دقت می‌توان دریافت که دلیل موافقان محرمانه بودن اطلاعات از مخالفان آن قوی‌تر است.

کلیدواژه‌ها: محرمانگی، راز، حریم خصوصی، حق ثالث، مصلحت عمومی، قلمرو محرمانگی

* نویسنده پاسخگو: تهران، بزرگراه چمران، اوین، بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده فناوری‌های نوین علوم پزشکی جهاد دانشگاهی، ابن سینا

تلفن: ۲۲۴۳۲۰۲۰

E-mail: abdolahzadeh@avesina.ac.ir

مقدمه

افراد اغلب از در میان گذاشتن اسرار خود با دیگران به منظور گسترش روابط انسانی و از پنهان نگه داشتن آن به عنوان ابزاری برای تعیین حدود دخالت دیگران استفاده می‌نمایند. به این وسیله دو گروه از افراد در ارتباط با انسان‌ها قابل شناسایی است، اول محارم (در اینجا منظور کسانی است که فرد در حریم خود اجازه ورود آنها را می‌دهد) و دوم بیگانگان. کودکان نیز حفظ راز و اسرار را ابزاری برای تعیین دوستی قرار می‌دهند و اغلب، رابطه‌های دوستی و عاطفی خود را با در میان گذاشتن اسرار آغاز می‌کنند [۱].

پیشرفت‌های امروزی در حوزه علم و تکنولوژی باعث شده تا مبحث محرمانگی از قالب سنتی و اجتماعی آن خارج شده و به دنیای علم و تکنولوژی نیز راه یابد. توضیح این که دسترسی به دسته‌ای از اطلاعات افراد از طریق پژوهش‌های علمی یا ارائه خدمات پزشکی، پژوهشگران، بیماران و عالمان علوم انسانی را با این سؤالات مواجه ساخته است که آیا اصولاً اطلاعات به دست آمده در زمره اطلاعاتی است که باید حفظ شود؟ اعلان این دسته از اطلاعات چه خطراتی در پی دارد و آیا از آن سوء استفاده می‌شود یا نه؟ آیا تنها اطلاعاتی که ممکن است از آن سوء استفاده شود باید محرمانه باقی بماند؟ معیار در این خصوص چیست؟ این اطلاعات می‌تواند در اختیار چه گروه‌هایی قرار بگیرد؟ اگر نباید آنها را اعلام کرد، مبنای توجیهی این حفظ و مراقبت چیست؟ و سؤال‌هایی دیگر که به فراخور مواجهه با آنها باید پاسخ داده شوند. علم درمان نا باروری نیز به عنوان شاخه‌ای از پزشکی از این امر مستثنا نبوده و در همه شیوه‌های درمانی که اکنون استفاده می‌شود و یا در آینده‌ای نه چندان دور به کار گرفته خواهد شد، سؤالات بالا در حوزه‌های تحقیق، تشخیص و درمان مطرح است. برای نمونه در درمان به شیوه اهدا [۲] سؤالات بسیاری در مورد حفظ اطلاعات اهدا کننده و اهدا شونده مطرح می‌گردد. در روش استفاده از رحم جایگزین [۲، ۳]، محرمانه بودن یا نبودن اطلاعات اهدا کننده رحم، از قبیل نام، محل زندگی، خصوصیات فردی و بیولوژیکی، خانواده و ... از مسایل مهم و بحث انگیز در این روش درمانی است. همه روش‌های درمانی نا باروری به عنوان یکی از انواع درمان‌های پزشکی، چه در مرحله تشخیص و چه در مرحله ارائه درمان، به نوعی با مسأله محرمانگی در ارتباط مستقیم بوده و در اغلب موارد با مشکلات جدی رو به رو می‌شوند. مسأله در حوزه تحقیق نیز به نحو جدی و پیچیده‌تر مطرح است، چرا که در اینجا به احتمال زیاد نتیجه تحقیق در

مجامع علمی و نشریات مربوط طرح و نشر خواهد شد. از این رو، تعیین حدود حفظ اطلاعات و مبنای توجیهی آن می‌تواند محققان، متخصصان و پزشکان را در عرصه‌های پیش گفته از روبرویی با مشکلات احتمالی گوناگون رهایی بخشد. این مقاله بر آن است تا حد امکان به سؤالات بالا و مسایل مربوط در این خصوص پاسخ گوید.

ابتدا به تعریف محرمانگی و راز پرداخته و سپس مبانی مواجهه آن را به دست خواهیم داد. سپس و تا حد امکان معیاری برای تشخیص اطلاعات محرمانه بیان خواهیم کرد و قلمرو و گستره حفظ آن را بر می‌شماریم.

تعریف محرمانگی و راز

راز را در لغت به عنوان مطلب پوشیده و پنهان تعریف کرده‌اند و راز دار کسی است که سری را حفظ می‌کند [۴]. در برابر واژه محرمانه هم آمده است: «پوشیده و پنهان» و مُحَرَّم یعنی مقرب [۵]. در زبان عربی سِر و جمع آن اسرار در مقابل راز قرار دارد و در معنای آن آمده است: «کار پوشیده و مخفی، [۴] پوشیده و پنهان، در دین مسیح، عقیده‌ای دینی است که عقل آن را درک نمی‌کند (بر عقل پوشیده است) [۶]. در ادبیات فارسی، به مثابه میراث فرهنگی ایرانیان و گنجینه معارف دینی و بومی، نویسندگان بسیاری در قالب اندرز و نصیحت، راز و رازداری را مورد توجه قرار داده و در این خصوص، دستورات اخلاقی صادر کرده‌اند که با دقت در آنها می‌توان نقاط مشترک فراوانی را در تعریف راز و رازداری و ویژگی‌های اطلاعات محرمانه به دست آورد. از آن دسته می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: «راز چیزی است که بلا در محافظت آن است و هلاک در افشای آن» (مرزبان نامه)

«راز خود را با یار خود چندان که بتوانی مگو» (از مجموعه امثال طبع هند)

«راز با مرد ساده دل، بسیارگوی، میخواره و پراکنده صحبت مگوی ... که این طایفه از مردم بر تحفظ و کتمان آن [راز] قادر نباشند» (مرزبان نامه) [۷].

«سَر بده و سِر مسپار، از تن مرد در سرای مجاز جان برون آید و نباید راز» [۷].

با دقت در امثال و حکایات بالا و مفهوم راز و رازداری، می‌توان به اصلی‌ترین ویژگی راز و سِر که همان پوشیده بودن آن است دست یافت. بنابراین سِر و راز امری پوشیده و نهان از دانش دیگری است که تنها خود شخص به آن دسترسی و از آن آگاهی دارد و پند و

خود به خود آشکار نباشد و برای به دست آوردن آن تلاش شود یا ابزار کشف استفاده گردد، امر نهان و از این رو راز به شمار می‌آید. هر آن چه که از دید مستقیم و ظاهری افراد پنهان است و اشخاص برای آگاهی از آن مجبور به کوشش و تلاش در کشف و فهم آن گردند از زمره امور محرمانه خواهد بود.

شاید بر این معیار این ایراد گرفته شود که دایره شمول چنین تعریفی بسیار گسترده بوده و امر خیلی کلی همانند امری است که اصلاً وجود ندارد. اما باید توجه داشت که همان طور که در مبانی توجیهی مسأله رازداری خواهد آمد. این دایره کلی برای حفظ حرمت، کرامت و ارزش انسان‌ها ضروری است و با استثناء و موارد نقض نیز مواجه خواهد شد.

اکنون که تعریف محرمانگی و راز و معیار تشخیص آن بررسی شد به سؤالی اساسی و ریشه‌ای در این خصوص پاسخ خواهیم داد و آن این که چرا محرمانگی؟ یا به عبارت بهتر مبنای موجهه محرمانگی چیست؟ چرا باید راز را حفظ نمود؟

مبانی نظری محرمانگی

در شرح و توضیح مبانی موجهه محرمانگی، بیان این نکته ضروری است که به بررسی مبانی هنجاری - ارزشی محرمانگی خواهیم پرداخت. مبنای محرمانگی بر حق بر داشتن حریم خصوصی استوار است. فقها ابزار نگاهبان کرامت و اراده انسان‌ها هستند. ایده و نهاد «حق» آن جایی مطرح می‌شود و از قدرت الزام آور ارزشی - و در صورت تصویب در قالب قانون، از قدرت حقوقی - برخوردار می‌گردد که «کرامت ذاتی» و «فاعلیت» انسان در خطر باشد [۱۲].

حق بر داشتن حریم خصوصی نیز نگاهبان اراده آزاد انسان و فاعلیت اخلاقی [توضیح: بر اساس نظریه‌های اخلاق تنها آن دسته از افعال انسانی را که با اراده تحقق می‌یابند می‌توان موضوع حسن و قبح اخلاقی قرار داد. بنابراین هر جا به هر دلیلی انسانی در انجام کاری اراده نداشته باشد، مسؤولیت اخلاقی ندارد. این موضوع در جای جای قوانین کنونی مدنی و جزایی ایران نیز مورد تأکید و تصریح است و انسان فاقد اراده، مسؤولیت ندارد]. اوست و زندگی شخصی انسان را از گزند دخالت دیگران و نهادهای سیاسی محفوظ می‌دارد و سبب می‌شود تا او استقلال و آرامش لازم را برای طراحی و پی‌گیری زندگی که خوب و متعالی می‌داند، دارا باشد. بدون حریم خصوصی هیچ فردی زمینه و امکان شکل دادن به زندگی را ندارد که بتواند موضوع قضاوت اخلاقی خود یا دیگران واقع شود [۱۳].

اندرز در نگهداری آن بر این اشاره دارد که خود شخص اراده و اختیار دارد تا این اسرار و پوشیده‌ها را بر دیگران آشکار نماید. اکنون به بیان تعاریفی می‌پردازیم که در دنیای علم و تکنولوژی از سر و راز و محرمانگی (حفظ و رازداری) می‌شود: سازمان بین‌المللی استاندارد سازی (ISO) [۸]. محرمانگی را این گونه تعریف کرده است: اطمینان از این که اطلاعات، تنها برای کسانی که مجاز به داشتن آنها هستند در دسترس باشد. در این تعریف نیز در دسترس نبودن، همان پوشیده بودن بر همه افراد است.

مرکز مطالعات فلسفی و مذهبی انگلستان [۹] نیز در تعریفی از محرمانگی آورده است که محرمانگی یعنی حفظ اطلاعاتی که در یک رابطه حرفه‌ای کسی می‌دهد یا در مورد کسی داده می‌شود. بنابراین رازداری بر خاسته از اعتماد میان اهل حرف و استفاده کنندگان از آنهاست [۱۰]. این تعریف بیشتر بر راه‌های به دست آوردن اطلاعات و افشای آن نظر دارد. پیش فرض این تعریف بر پوشیده بودن اطلاعات مورد نظر و سپس به دست آمدن آنها از طریق اعلام خود فرد است. اما در ادامه آن راه دیگری نیز پیش بینی شده و آمده است «یا در مورد کسی داده می‌شود» بنابراین، در جایی که کسی اطلاعاتی را که به هر نحو از دیگری به دست آورده، در اختیار ما قرار می‌دهد، ما بنا بر قاعده، ملزم به محرمانه نگه داشتن آن اطلاعات هستیم، حتی اگر در مرحله اول بدون رضایت شخص و یا به هر وسیله غیر قانونی و غیر اخلاقی دیگر به دست آمده باشد. همچنین در تعریفی دیگر محرمانگی این گونه تعبیر شده است: امری سری که توسط شخصی به فرد دیگری گفته شود و او آن را به دیگری منتقل نسازد [۱۱]. بنابر آن چه تا کنون بیان شد، محرمانگی عبارت است از حفظ و نگه داشتن سر و راز از دیگران. سر و راز امری است که بر همه جز خود فرد پوشیده است. با این حال، نباید «خود» را صرفاً به معنای یک فرد گرفت. بلکه «خود» شامل تمامی کسانی است که فرد رازش را با آنان در میان می‌گذارد، یا به نحوی از انحاء از راز او با خبر می‌شوند. به تعبیری دیگر، «همه» یعنی تمامی کسانی که نباید از راز با خبر شوند و «خود» یعنی فردی که راز به او مربوط است و شماری از دیگر افراد که از راز او با خبر شده‌اند. حال سؤالی که مطرح می‌شود، این است که معیار پوشیدگی چیست؟ کدام اطلاعات دارای ویژگی پوشیدگی و پنهان بودن می‌باشند؟

پاسخ به این سؤال شاید به نوعی سهل و ممتنع باشد. به این معنا که امر پوشیده امری است که آشکار نیست. بنابراین هر امری که

بخشی از حریم خصوصی غیر مادی آنها را تشکیل می‌دهد، اطلاعات پزشکی است. اطلاعات پزشکی، خود به سه دسته اطلاعات تحقیقی، تشخیصی و اطلاعات درمانی تقسیم می‌شود.

در اینجا لازم است بخشی از دستورات و الزاماتی که در طول تاریخ در دنیای پزشکی مورد تأکید و توجه قرار گرفته است بیان گردد. بیشتر این دستورات نه بر پایه حق بنیادین افراد به داشتن حریم خصوصی، بلکه براساس شهود اجتماعی و ذکر موارد عینی لزوم حفظ اسرار از سوی پزشک صادر شده است.

«شایسته و بایسته است تا پزشک دوست و همراه مردم باشد و در پشت، سر نگاهدار و رازدارشان ...، زیرا چه بسا برخی از مردم بیماری خود را از نزدی‌ترین و ویژه‌ترین کسان خود مانند پدر و مادر و فرزندان خود پوشیده می‌دارند، ولی ناگزیر برای پزشک فاش می‌سازند [۱۵]. چه بسا انسان، گرفتار بیماری‌هایی شرمگانه می‌شود و پزشک نیاز دارد تا به درمان آن دستور دهد ... اگر پزشک به بیمار نزدیک نباشد، شکوه یا ترس او را از گفتن و اشاره کردن به آن درمان باز دارد» [۱۵].

با دقت در عبارت بالا به راحتی می‌توان دریافت که در بیماری و تشخیص آن، بیمار به دلیل نداشتن تخصص و علم، نیازمند کمک و یاری پزشک می‌باشد و به ناچار او را در حریم خصوصی خود وارد می‌سازد. گاهی اتفاق می‌افتد که بیمار برای بیماری به پزشک مراجعه می‌نماید، اما در حین تحقیق، پزشک، بیماری دیگر یا خصوصیتی از بیمار را کشف می‌نماید. در این خصوص نیز آمده است:

«بیمار با هدف تشخیص بیماری و درمان آن به پزشک مراجعه می‌نماید. در اینجا سزاوار است که پزشک حفظ امانت کند و آن را برای کسی بازگو ننماید ...، امام قرطبی گفته است: حفظ اسرار در برخورد با مردم عمومیت دارد و امانت است، چه آرای پزشکی باشد یا هر سر دیگر» [۱۶].

در کتاب مدخل ابن الحجاج آمده از آنجا که بیمار به پزشک اجازه نداده، پزشک نمی‌تواند راز او را فاش کند و جالب این که در ادامه آورده است که حتی اگر اجازه دهد باز هم وی مجاز به افشای راز نیست [۱۶]. امام غزالی بیان می‌دارد افشا کننده سِری که افشای آن برای بیمار ضرر نداشته باشد، قابل ملامت و سرزنش است (به این معنا که اخلاقاً کار نادرستی است) [۱۶]. پس به طریق اولی اگر افشای سِری زبانی در بر داشته باشد، جایز نیست (یعنی حکم آن جایز نبودن است).

محرمانگی به مفهوم عام حریم خصوصی بسیار نزدیک است و هر دو ایده محدودیت دسترسی دیگران را در بر دارند [۱۱]. محرمانگی مانند حریم خصوصی محافظ علایق و حقوق افراد است [۱]. هر چند تفاوت‌هایی نیز برای این دو بر می‌شمارند. برای نمونه گفته می‌شود که محرمانگی تنها مواردی را در بر می‌گیرد که شخصی اطلاعات سِری را در اختیار دیگری قرار می‌دهد (با اراده و رضایت خود) و از او توقع دارد تا آن را به دیگران انتقال ندهد و افشا ننماید. در حالی که حق بر داشتن حریم خصوصی به معنای محدودیت دیگران در دسترسی به اطلاعات شخصی افراد بوده و به راحتی موارد انتقال اسرار را (مثلاً برای وکیل یا پزشک) در بر نمی‌گیرد [۱۴].

به هر حال حق بر داشتن حریم خصوصی که حافظ گوهر انسانی افراد و از حقوق بنیادین آنهاست، باید به عنوان اصل پذیرفته شود تا زندگی خصوصی ایشان از گزند تهاجم دیگران در امان بماند. بر این اساس اگر شخص با رضایت و اراده خود بخشی از این محدوده شخصی و حریم را بر دیگری افشا نماید، باز خواست و اراده اوست که در این حوزه حاکم است و دیگری را بر افشای راز او حقی نیست. چرا که در غیر این صورت در موارد ضروری که شخص، ناچار به استفاده از تجربه و کمک دیگری است و به او اعتماد می‌نماید و راز خود را بر او فاش می‌سازد، راه برای تجاوز به حریم خصوصی وی باز می‌گردد. پس باید با ابزار «حق بر داشتن حریم خصوصی» راه را بر تجاوز بر این حریم بست.

به عبارت دیگر در اینجا تلاش بر این است که اصل محرمانگی و حفظ حریم خصوصی افراد در هر مرحله از افشا و کشف نیز رعایت گردد. با این وصف، در این بخش از مقاله لازم است توجه خود را بر حریم خصوصی، انواع آن و ارتباط دنیای علم و تکنولوژی با آن معطوف می‌نماییم.

حریم خصوصی

حریم خصوصی، محدوده‌ای است که دیگران نباید به جسم و ذهن شخص دسترسی داشته باشند [۱۳]. بر این پایه، حریم خصوصی را باید به دو بخش حریم خصوصی مادی و حریم خصوصی غیر مادی (ذهن و اطلاعات) تقسیم نمود. حریم خصوصی مادی مربوط به زندگی مادی و بیرونی افراد مانند خانه، محل کار و ... و حریم خصوصی غیر مادی مربوط به دنیای ذهن و اطلاعات اوست.

بحث ما در این مقاله بیشتر معطوف به اطلاعات و حریم خصوصی غیر مادی افراد است. یکی از انواع اطلاعاتی که افراد دارا می‌باشند و

۱- نقض محرمانگی به سود شخص دیگر و یا گروهی در جامعه است [۱۳، ۱۵، ۲۱].

برای نمونه پزشک می‌داند که مردی، بیماری جنسی مسری دارد و وظیفه خود احساس می‌کند تا شریک جنسی فرد را از خطری که او را تهدید می‌نماید، آگاه سازد. به طور کلی، شایع‌ترین مواردی که افراد را با تعارض در تصمیم‌گیری مواجه می‌سازد، حقوق شخص ثالث و یا گروهی از افراد است که با فرد در ارتباط هستند. برای نمونه می‌توان به سوء استفاده از گروه‌های آسیب‌پذیر (زنان و کودکان) [۱۱] و شرکای جنسی افراد بیمار اشاره نمود.

تعیین دقیق مواردی که اشخاص ثالث و حقوق آنها می‌تواند ناقض محرمانگی باشد، ساده نیست. شاید بتوان شرطی اساسی برای توجیه چنین نقضی مطرح ساخت تا تعیین موارد آن را تا اندازه‌ای ملموس‌تر نماید: حق شخص ثالث باید با حق بنیادین بیمار در محرمانگی برابری نماید. به این معنا که تنها حقوقی می‌تواند متعارض یا ناقض حق بنیادین یک فرد گردد که خود از ارزش «حق بنیادین بودن» بهره‌مند باشد. پس یک فرد زمانی می‌تواند حق بنیادین داشتن حریم خصوصی را با افشای راز از میان ببرد که حق شخص ثالث به داشتن آن اطلاعات نیز بنیادین و تضمین‌کننده اراده و کرامت ذاتی وی باشد.

۲- نقض محرمانگی مطابق با مصلحت عمومی و امنیت است [۱، ۱۱، ۱۳، ۱۶].

جدای از تعریف مصلحت عمومی که تلاش‌های بسیاری از سوی فیلسوفان و نظریه پردازان علوم انسانی و اجتماعی در تبیین و تعریف آن صورت گرفته است [۲۴-۲۲]، مصلحت عمومی و حفظ امنیت از واژگانی هستند که ممکن است برای نقض حقوق بنیادین شهروندی به کار گرفته شوند. حقها به قول «دورکین»، برگ‌های برنده در مقابل ادعاهای مبتنی بر منافع و مصالح عمومی و همچنین تمامیت طلبی حکومت‌ها بوده و به مثابه خط قرمز قلمرو حکمرانی به شمار می‌روند [۲۵]. بنابراین برای حفظ حقوق بنیادین شهروندی، لازم است که تفسیر حداقلی از مصلحت عمومی و امنیت در نظر گرفته شود.

به راستی چه مصلحتی ایجاب می‌نماید تا افشای راز صورت گیرد؟ گروهی دسته‌بندی‌هایی برای تعیین مصلحت عمومی ارائه کرده‌اند: ۱- مدارک مربوط به تولد و مرگ، ۲- ورود آسیب‌های خاص مانند اصابه گلوله، ۳- سوء استفاده از زنان و کودکان و مانند این‌ها [۱۱]. اگر چه تلاش برای تعیین مصادیق مصلحت عمومی تا

بنابر آن چه گفته شد، در عالم پزشکی همانند روابط اجتماعی و بر اساس حق بنیادین حفظ حرمت حریم خصوصی افراد، محرمانگی چه در حوزه تحقیق، چه در مرحله تشخیص و چه در مرحله درمان به منزله یک اصل اساسی و مهم است و رعایت آن لازم می‌باشد، چنان که امروزه اعلامیه‌های بین‌المللی و سوگند نامه‌های پزشکی نیز آن را در لابه‌لای عبارات خود جای داده‌اند [۲۰-۱۷]. عدم توجه به این اصل، پیامدهای اساسی و جدی‌ای در پی خواهد آورد که برای نمونه می‌توان به عدم مراجعه بیمار به پزشک، در اختیار قرار ندادن اطلاعات کامل (که در درمان بسیار مؤثر است)، دروغ‌گویی بیمار و مانند این‌ها، اشاره کرد.

مسئله محرمانگی در اینجا پایان نمی‌یابد و سؤال بعدی گستره و قلمرو محرمانگی است. در چه زمانی می‌توان بر اصل حفظ راز و نگهداری حریم خصوصی افراد استثنا وارد ساخت؟ آیا شرایطی وجود دارد که در آن فرد بتواند و یا مجبور گردد تا راز دیگران را افشا نماید؟ آیا حقی برای اشخاص ثالث به داشتن اطلاعات محرمانه دیگران متصور است؟ پاسخ به این سؤال موضوع بعدی است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

قلمروی محرمانگی

موارد بسیاری وجود دارد که افراد در زندگی روزانه خود با تعارضات اخلاقی مواجه می‌شوند. تعارض اخلاقی در جایی روی می‌دهد که فرد برای انجام یک عمل با دست کم دو اصل اخلاقی متعارض مواجه است. برای نمونه شخص «الف» به شخص «ب» رازی می‌گوید و شخص «ب» بر اساس قواعد ملزم به حفظ آن می‌باشد. اما همین راز به نوعی با زندگی شخص سومی ارتباط دارد که اطلاع نیافتن وی از آن پی‌آمدهای قابل توجهی در بر خواهد داشت. در اینجا شخص بین حفظ راز دیگری و نجات جان شخص سوم در تعارض است. پزشکان در بسیاری از موارد با مسایلی از این دست رو به رو می‌شوند و لاجرم باید دست به انتخاب بزنند. این انتخاب اما باید بر اساس مبنایی دقیق و موجه، انجام شود.

در این بخش به بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد قلمرو محرمانگی و موارد استثنایی آن خواهیم پرداخت، اما همیشه و در طول بحث به یاد خواهیم داشت که هیچ ارزشی بالاتر از حفظ کرامت و اراده انسان نبوده و موارد نقض آن باید بسیار محدود و معین و بر پایه دلایل محکم و قابل قبول استوار باشد. با دقت در دیدگاه‌های ارائه شده در خصوص موارد نقض محرمانگی، می‌توان این موارد را به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

حدی راهگشا بوده و این واژه را از حالت بسیار کلی خارج می‌نماید، اما باز هم پیچیدگی و ظرافت‌های گوناگون در مشخص نمودن همه مصادیق آن، مانند برقراری توازن میان ادعاهای فردی و مقتضیات حیات جمعی، راه را برای استفاده‌های نادرست از این واژگان باز می‌نماید. در این راستا، گفتنی است مبنا و زمینه اصلی نظام‌های حقوقی مدرن اصل، یا به تعبیر دقیق‌تر، ارزش «حاکمیت قانون» است. حاکمیت قانون به این معناست که قانون مصوب نمایندگان واقعی ملت حرف آخر را در مورد قلمرو دخالت حکومت‌ها خواهند زد و قانون اساسی به عنوان سند مکتوب حافظ حقوق بنیادین شهروندان، تعیین کننده مصلحت و موارد استثنایی است که حکومت می‌تواند به نام مصلحت و امنیت، حقوق بنیادین شهروندی را نقض نماید [۲۴-۳۴]. بنابراین در این خصوص وجود قوانین و مقررات معین و روزآمد و بر خاسته از پژوهش‌های حقوقی و اخلاقی، می‌تواند ضامن حقوق بنیادین و مانع و محدود کننده دخالت‌هایی باشد که ممکن است به نام مصلحت عمومی و امنیت، حقوق شهروندان را نقض کنند. کلیه نهادها و سازمان‌های دولتی ملزم به فعالیت در چهارچوب قوانین مصوب بوده و هیچ مرجع دارنده اطلاعات پزشکی افراد نباید خارج از حدود تعیین شده به ارائه اطلاعات پزشکی به هیچ گروهی حتی نهادهای حکومتی بپردازد.

محرمانگی در درمان نا باروری

در درمان نا باروری به عنوان یکی از شاخه‌های پزشکی، ما با سه گروه از افراد مواجه هستیم. فرد بیمار، مرکز درمان نا باروری و تیم پزشکی معالج و افرادی که داوطلبانه برای کمک به مراحل درمانی در ارتباط با دو گروه اول قرار می‌گیرند. ارتباط بیمار با مرکز درمان و پزشکان معالج بنا بر اصولی که بررسی شد قابل پیش بینی و مشخص است. ارتباط افراد داوطلب نیز با مرکز بر اساس اصل حفظ حریم خصوصی افراد معین و مرکز موظف به حفظ اسرار آنها بوده و موارد استثنای وارد بر اصل نیز با روش‌های پیش گفته قابل اعمال است. در اینجا رابطه افراد داوطلب با بیماران تا اندازه‌ای نیازمند توضیح است. آیا مرکز مجاز به افشای اطلاعات مربوط به داوطلبین به بیماران و بیماران به داوطلبین می‌باشد؟ در درمان نا باروری به روش اهدای گامت و جنین، با دو گروه از آراء مخالف و موافق محرمانگی مواجه هستیم. هر دو گروه دلایل مختلفی برای این امر ابراز نموده‌اند که در زیر به برخی اشاره می‌کنیم: موافقان محرمانه ماندن اطلاعات معمولاً بر این امر تأکید دارند که محرمانگی

استقلال خانواده‌های اهدا کننده و دریافت کننده را حفظ می‌نماید و همین امر موجب می‌شود که مسؤولیت‌های اجتماعی و قانونی اهدا کنندگان از بین برود. محرمانه بودن این اطلاعات بیشتر با مصالح کودک منطبق بوده و به یکی شدن نظام تربیتی وی می‌انجامد. از طرف دیگر بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که محرمانه نبودن اطلاعات اهدا کنندگان باعث کم شدن میزان داوطلبان اهدا می‌گردد [۳۷-۳۵]. از سوی دیگر مخالفان بر این باور هستند که پدر و مادر باید و حق دارند که از منشأ ژنتیکی کودک خود اطلاع داشته باشند و در اختیار بودن اطلاعات اهدا کنندگان این امکان را فراهم می‌آورد تا نگرانی آنها از سلامت جسمی آنان تا حدود زیادی برطرف گردد [۳۷-۳۵]. همین دلایل موافقت و مخالفت می‌تواند در درمان به شیوه رحم جایگزین هم مطرح گردد. با این تفاوت که در مسأله رحم جایگزین، نگرانی‌ها بیشتر به سمت وضعیت خانوادگی و شخصیتی مادر جایگزین معطوف است تا به وضعیت ژنتیکی او. جدا از پاسخ حقوقی و بررسی روش‌های درمانی و انطباق آن با مبانی مورد بحث در بخش‌های پیشین، ذکر این مسأله، مهم و ضروری است که در درمان به شیوه اهدای گامت و جنین، مرکز درمانی، گامت‌های اهدایی را به دقت مورد بررسی قرار داده و در اصطلاح از نظر سلامت و ساختار ژنتیکی غربال می‌نماید. بنابراین نگرانی‌های موجود در مخالفت با محرمانه بودن اطلاعات تا حد زیادی قابل رفع و پاسخگویی است. اما با توجه به مطالب بالا و دقت در آن می‌توان به سادگی دریافت که دلایل موافقان محرمانه بودن اطلاعات قوی‌تر می‌نماید. به این معنا که مخالفان نمی‌توانند دلیلی ابراز نمایند که مصداق موارد استثنا در محرمانگی (مصلحت، حق ثالث) باشد. این در حالی است که موافقان محرمانگی نشان داده‌اند که در موارد استثنا بر محرمانگی، یعنی برای نمونه مصلحت، باز هم مصلحت در محرمانه بودن است نه در افشاء. بنابراین در شیوه‌های مختلف درمان نا باروری باز هم اصل بر محرمانه بودن اطلاعات و جواز افشاء، اثبات حق بنیادین ثالث و یا خدشه بر مصلحتی است که قانون گذار و نماینده واقعی مردم قلمرو آن را به طور کامل و محدود معین نموده است.

محرمانگی در قوانین و مقررات موجود

در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) [۳۸] و در ماده ۶۴۸ آمده است که اگر اطبا و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک

ماده باشد». در حالی که تعریف و قلمروی دقیق «مصلحت» معلوم و مشخص نیست و همانطور که پیش از این گفتیم، حفظ کرامت و اراده انسانها ایجاب می‌نماید تا قلمروی دقیق مصلحت عمومی توسط قانون کاملاً مشخص و مرزبندی گردد.

افزون بر این در ماده ۱ «آئین نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نمونه نوع اسناد و اطلاعات» [۴۲] نیز آمده است: «اسناد سری و محرمانه دولتی به اعتبار مقدار مراقبتی که باید در حفظ آنها بشود به چهار طبقه تقسیم می‌شوند:

طبقه اول- اسنادی است که افشای غیر مجاز آنها به اساس حکومت و مبانی دولت ضرر جبران ناپذیری برساند.

طبقه دوم- اسنادی است که افشای غیر مجاز آنها منافع عمومی و امنیت ملی را دچار مخاطره کند.

طبقه سوم- اسنادی است که افشای غیر مجاز آنها نظام امور سازمان‌ها را مختل و اجرای وظایف اساسی آنها را نا ممکن کند.

طبقه چهارم- اسنادی است که افشای غیر مجاز آنها موجب اختلال امور داخلی یک سازمان شود یا با مصالح اداری آن سازمان مغایر باشد. اسناد سری در طبقات اول و دوم و اسناد محرمانه در طبقات سوم و چهارم قرار می‌گیرند (اسناد طبقه اول با عنوان به کلی سری، اسناد طبقه دوم با عنوان سری، اسناد طبقه سوم با عنوان خیلی محرمانه و اسناد طبقه چهارم با عنوان محرمانه مشخص می‌شوند)».

با دقت در عبارات بالا به راحتی می‌توان دریافت که مبنا و علت محرمانه بودن اسرار دولتی و توجیه آن با علت و مبانی حفظ اسرار پزشکی افراد، چندان قرابت و شباهتی ندارد. در واقع در خصوص اسرار دولتی، اصل، محرمانه نبودن اطلاعات است، مگر در مواردی که به دلایل فوق باید اطلاعات دولتی را طبقه‌بندی نمود. در حالی که در خصوص اطلاعات پزشکی افراد که از ماهیت کاملاً متفاوتی نسبت به اطلاعات دولتی برخوردار است، همان طور که در مقاله خواهد آمد، اصل محرمانه بودن اطلاعات است، مگر در مواردی که استثناً قابل توجیه باشد.

ممکن است گفته شود آیین نامه قانون اهدا، تنها در خصوص حفظ و نگهداری اسرار به قانون مذکور ارجاع داده شده است، در این صورت نیز باز ابهام در خصوص افرادی که می‌توانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند و مقامات صلاحیت دار باقی می‌ماند. برای نمونه در بخش دیگری از این آیین نامه آمده است:

سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. روشن است که قانون در اینجا تنها به تعیین مجازات افشای اسرار پرداخته و موارد آن، قلمرو و استثنائات آن را مشخص و تعیین نساخته و تعیین این موارد را به قوانین دیگر واگذار نموده است. ماده ۳۱ قانون مطبوعات [۳۹] می‌گوید: «انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسؤول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد».

در این قانون اصحاب مطبوعات از افشای اسرار و اطلاعات شخصی افراد منع شده‌اند و برای آنها مطابق ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مجازات در نظر گرفته شده است. در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ و در پی دستیابی ایران به فناوری‌های نوین درمان نا باروری و به دلیل نیاز به ایجاد زیر بنای حقوقی و قانونی برای آن، قانون اهدای جنین به زوجین نا بارور و آیین نامه اجرایی آن تصویب شد [۴۰].

در این قانون و آیین نامه مربوط هر چند تلاش بسیاری صورت گرفته تا با وجود نو پا بودن رویکرد قانونی به این مباحث، تمامی زوایای سؤال برانگیز پاسخ داده شود، اما با گذشت بیش از ۳ سال از اجرای این قانون و آیین نامه اجرایی، هنوز هم نقاط ضعف و مسکوت در آن به چشم می‌خورد. یکی از این نقاط ضعف، مبحث محرمانگی است. جدا از پرداخته شدن به آن در چند ماده از آیین نامه، هنوز بسیاری از سؤالات در این راستا بی پاسخ و مسکوت و حتی در برخی موارد سؤال برانگیز است. برای نمونه در ماده ۱۰ آیین نامه، آمده است که اطلاعات مربوط به اهدا کننده و دریافت کننده با رعایت قوانین و مقررات مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی به مراجع قضایی صلاحیت دار مجاز است. حال این که که مبحث محرمانگی در قوانین جاری از انسجام برخوردار نبوده و در قوانین مختلف پراکنده است. از سوی دیگر بار نمودن قوانین و مقررات جاری در خصوص اسرار دولتی سکوت و مشکل قانونی حفظ اسرار پزشکی را ب رطرف نمی‌نماید، چرا که خود «قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی» [۴۱] دارای موارد بی شمار ابهام و کلی بودن است. برای نمونه در ماده ۱ و در تعریف اسناد سری و محرمانه آمده است:

«اسناد دولتی سری، اسنادی است که افشای آنها مغایر با مصالح دولت و یا مملکت باشد. اسناد دولتی محرمانه اسنادی است که افشای آنها مغایر با مصالح خاص اداری سازمان‌های مذکور در این

بحث و نتیجه گیری

از آنچه گذشت دریافتیم که پاسداری از حریم خصوصی افراد در واقع نگاهیانی از کرامت و اراده آنان و در نتیجه فاعلیت اخلاقی آنهاست و تجاوز به آن به نام مصلحت و حقوق ثالث تنها در شرایط معین و بر اساس آن چه به تفضیل بحث شد، قابل توجیه است. در این میان حفظ اسرار به عنوان بخشی از حریم خصوصی به طور عام و اطلاعات پزشکی افراد به طور خاص قابل توجه است. در شیوه اهدای گامت و جنین و رحم جایگزین در درمان ناباروری نیز اصل محرمانگی بر پایه حفظ حریم خصوصی افراد جاری است. در موارد استثنا بر اصل هم با دقت می توان دریافت که دلایل موافقان محرمانه بودن اطلاعات از مخالفان آن قوی تر است. با توجه به تفاوت در ماهیت اطلاعات پزشکی و اسناد محرمانه دولتی، شایسته است تا قوانین و مقررات مخصوص، دقیق و کامل برای این حوزه توسط قانون گذار ترسیم و قلمروی محرمانگی و استثنائات آن مشخص گردد.

«ماده ۶- منظور از نگهداری اسناد سری و محرمانه مجموعه اعمالی است که از ابتدای انشای این اسناد تا تاریخ خروج آنها از حالت سری یا محرمانه بودن انجام می شود تا اشخاص غیر مجاز به اسناد مذکور دست نیابند یا بر مفاد آنها واقف نشوند. تبصره: کسی که لازم نیست سند سری یا محرمانه را رؤیت کند یا از مفاد آن مطلع شود در هر مقام و موقعی که باشد شخص غیر مجاز محسوب است و حق مراجعه به سند سری یا محرمانه را ندارد.» «ماده ۳- طبقه هر سند را مسؤول واحدی که آن سند را تهیه کرده است تعیین می کند ... اعلان یا افشای مفاد اسناد سری یا محرمانه از طرف مراجع ذی صلاح، سند مذکور را از عداد اسناد سری و محرمانه خارج می کند.» بنابر آنچه گذشت تفاوت در ماهیت اطلاعات پزشکی و دولتی، نا کافی و پراکنده بودن قوانین و مقررات مربوط به محرمانه بودن اسرار، ابهام های بی شمار قانونی و بسیاری مطالب دیگر ایجاب می کند تا بررسی دقیق و موردی در خصوص محرمانگی در درمان ناباروری صورت گیرد.

منابع

- 1- Winslade WJ. Confidentiality, in SG. Post (ed.). Encyclopedia of bioethics. Macmillan: New York, 2004
- ۲- اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری، مجموعه مقالات، سمت، تهران، ۱۳۸۴
- ۳- روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق تهران، سمت، تهران، ۱۳۸۰
- ۴- معین محمد، فرهنگ فارسی، جلد دوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳
- ۵- معین محمد، فرهنگ فارسی، جلد سوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳
- ۶- جر خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه کتاب المعجم العربی الحديث، جلد دوم، ترجمه سید حمید طبیبیان، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۰
- ۷- دهخدا علی اکبر، امثال و حکم، جلد دوم، مدخل «ر» و «س»، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۴
- 8- International Organization for Standardization
- 9- Philosophical and Religious Studies Center
- 10- Confidentiality, Available online at www.prs.heacademy.ac.uk (Philosophical and Religious Studies Center)
- 11- Annas GJ. The Rights of Patients: The basic ACLU guide to patient rights, Carbondale: Southern Illinois University Press, 1989

- ۱۲- راسخ محمد، تئوری حق و حقوق بشر بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، ۴۱
- 13- Clark Chris. Against Confidentiality? Journal of Social Work 2006; 121: 495-99
- 14- Mchale JV. Medical Confidentiality and Legal Privilege. Routlage: New York, 2006
- ۱۵- ساکت محمدحسین، پند و پیمان در پزشکی، واژیران، تهران، ۱۳۸۱
- ۱۶- آل شیخ مبارک قیس بن محمد، حقوق و مسؤولیت پزشکی، ترجمه محمود عباسی، مؤسسه فرهنگی - حقوقی سینا، تهران، ۱۳۸۴
- ۱۷- سوگندنامه بقراط، در پند و پیمان در پزشکی، ۱۲۱-۱۲۴
- 18- Elaboration of the Declaration on Universal Norms on Bioethics (2004), Available online at <http://portal.unesco.org/shs/en.php>
- 19- International Declaration on the Human Genome and Human Rights (1997), Available online at <http://portal.unesco.org/shs/en.php>
- 20- International Declaration on Human Genetic Data (2003), Available online at <http://portal.unesco.org/shs/en.php>
- ۲۱- بودوان ژان لویی، حقوق، ایدز و قانون، ترجمه محمود عباسی، حقوقی، تهران، ۱۳۸۲

- ۲۲- بودنهایمر ادگار، درآمدی بر تئوری مصلحت عمومی، در حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، محمد راسخ، طرح نو، تهران، ۱۳۸۱
- ۲۳- بیات مهنار، ارزیابی مفهوم مصلحت عمومی در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، به راهنمایی دکتر محمد راسخ، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵
- 24- Rasekh, M. Public Interest, unpublished paper presented at the University of Amsterdam, the Netherlands
- ۲۵- دورکین رونالد، حق چون برگ برنده، پیشگفتار و ترجمه محمد راسخ، مجله نامه مفید ۱۳۸۲، ۲۹
- ۲۶- راسخ محمد، جزوه درس حقوق اساسی (۱)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸
- ۲۷- راسخ محمد، بنیاد نظری اصلاح نظام قانون گذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۴
- ۲۸- راسخ محمد، حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، طرح نو، تهران، ۱۳۸۱
- ۲۹- راسخ محمد، جزوه درسی مقدمه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱
- ۳۰- کاتوزیان ناصر، مقدمه علم حقوق، میزان، تهران، ۱۳۷۸
- ۳۱- مرکز مالگیری احمد، حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، با مقدمه دکتر محمدحسین زارعی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵
- 32- Alexander L. Constitutionalism, Cambridge: CUP, 1998
- 33- Raz J. The Rule of Law and its Virtue. The Law Quarterly Review 1977; 93: 152-211

34- Zywichi TJ. The Rule of Law, Freedom and Prosperity. 2002. Available online at www.icer.com

- ۳۵- یآوری ندا، متوسلی الهه، رازداری در اهدای گامت، اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری و دیابت و لیپید ۱۳۸۴، ۴۲۰-۴۲۴
- ۳۶- میلانی فر علیرضا، بررسی لزوم ناشناس ماندن زوجین دهنده و گیرنده جنین، در نوروزی عباس، رمضان زاده فاطمه، بررسی قانون اهدای جنین، چالش‌ها و راه کارها، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی، تهران، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۹
- ۳۷- میلانی فر علیرضا، آخوندی محمد مهدی، لزوم محرمانه نگه داشتن اطلاعات ژنتیکی افراد بشر، در مجموعه مقالات ارایه شده در کنگره بین المللی اخلاق زیستی، تهران، ۱۳۸۴
- ۳۸- حسینی نیک سید عباس، قانون مجازات اسلامی، مجد، تهران، ۱۳۸۴، مصوب ۱۳۷۵/۳/۲
- ۳۹- دوستدار، مطلب، قانون مطبوعات، مجد، تهران، ۱۳۷۸، مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲
- ۴۰- قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی، مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹، در www.ghavanin.ir
- ۴۱- آیین نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه بندی و نحوه مشخص نمودن نمونه نوع اسناد و اطلاعات، مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱، در www.ghavanin.ir
- ۴۲- قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور و آیین نامه اجرایی آن، در بررسی قانون اهداء جنین، چالش‌ها و راهکارها، ۱۲۱-۱۲۴